

مرد بوتیک دار تلاش داشت جنایتش پنهان بماند

کندن قبر مخفی

قبل از شلیک‌های مرگبار

مرد بوتیک‌دار در جنایتی هولناک شوهر زن جوانی را کشت و جسدش را در زیرزمین خانه‌اش دفن کرد.

این قاتل ادعا دارد بدگویی‌های خانم پرستار در مورد شوهرش او را وادار به این کار کرده است.

این مرد قبل از قتل در زیرزمین خانه‌اش قبری به عمق ۲ متر کنده بود تا راز جنایت پنهان باقی بماند.

ناپدید شدن مرموز مرد جوان

رسیدگی به این پرونده از آذرماه سال ۱۴۰۱ در نیبال ناپدید شدن مرد ۳۷ ساله‌ای به نام منوچهر آغاز شد.

برادر وی که به پلیس آگاهی رفته بود، گفت: برادرم از دیروز ناپدید شده است و هیچ خبری از او نداریم. همسرش می‌گوید با او تماس گرفته و گفته از سوی پلیس بازداشت شده است و ما نگران او هستیم.

در حالی که بررسی‌ها نشان می‌داد مردی با چنین مشخصاتی از سوی پلیس بازداشت نشده است تلاش برای افشای راز ناپدید شدن منوچهر آغاز شد.

برادر منوچهر به مأموران گفت: برادرم و همسرش صاحب یک فرزند هستند و نزدیک به ۱۰ سال است که با هم زندگی می‌کنند. همسر برادرم می‌گوید منوچهر برای خرید کاپشن برای پسرشان از خانه بیرون رفته که دیگر بازنگشته است.

اختلاف زن و شوهری

با اطلاعاتی که این مرد به پلیس داده بود مأموران به بررسی پرداختند و در نخستین گام از تحقیقات به اختلاف‌های دنباله‌دار منوچهر و همسرش ناهید پی بردند، اما ناهید مدعی بود زندگی خوبی با منوچهر داشته و اختلافی با وی نداشته است.

افشای رابطه سیاه

در ادامه، مأموران زن جوان را نامحسوس تحت نظر گرفتند و به بررسی تماس‌های تلفنی ناهید پرداختند، در نتیجه به رابطه پنهانی او با یک مرد جوان به نام امین که صاحب بوتیک لباس در شرق تهران بود،

پی بردند.

همین سرخ‌گامی بود تا مأموران در اقدامی غافلگیرانه امین را بازداشت کنند و این در حالی بود که مرد جوان ادعا می‌کرد هیچ رابطه‌ای با ناهید نداشته است.

وی گفت: ناهید از مشتری‌هایم بود و گاهی اوقات به مغازه‌ام می‌آمد. وی گاهی حضوری و اینترنتی خرید می‌کرد. به همین خاطر چند بار با من تماس گرفته بود، اما ما هیچ رابطه پنهانی با یکدیگر نداریم و فقط می‌دانم او پرستار است و همسر و یک پسر دارد.

اعتراف به جنایت بعد از ۷۰ روز

این مرد که سعی داشت با دروغ‌گویی پلیس را گمراه کند، وقتی در بن‌بست اطلاعاتی گرفتار شد ۷۰ روز بعد از جنایت به ناچار لب به بیان حقیقت گشود و گفت: ناهید را از مدتی قبل می‌شناسم. او مشتری مغازه‌ام بود و هر بار برای خرید به آنجا می‌آمد از بدرفتاری‌های شوهرش گلایه می‌کرد. وی آخرین بار با من درددل کرد و گفت از زندگی با شوهرش خسته شده است.

حرف‌های او باعث شد رابطه ما با هم نزدیک‌تر شود و از رفتارهای بد شوهرش به من بگویم و همین سبب شد کینه منوچهر را به دل بگیرم و به همین خاطر تصمیم گرفتم او را از زندگی ناهید حذف کنم.

وی در تشریح جزئیات جنایت گفت: با منوچهر تماس گرفتم و به بهانه اینکه کاپشنی که همسرش برای پسرشان خریده در مغازه‌ام جا مانده است او را به زیرزمین خانه‌ام در خیابان محلاتی کشاندم. از گودالی به عمق ۲ متر در زیرزمین خانه‌ام کنده بودم، وقتی منوچهر به آنجا آمد با تهدید اسلحه دست و پایش را بستم و با شلیک ۳ گلوله او را کشتم، سپس جسدش را در قبری که کنده بودم دفن کردم و هرگز فکر نمی‌کردم راز این جنایت برملا شود.

کشف جسد در زیرزمین

با اظهارات تک‌ناله‌دهنده این مرد، مأموران

به زیرزمین خانه وی رفتند و بقایای جسد را کشف کردند. این در حالی بود که ناهید ادعا می‌کرد از نقشه امین برای قتل شوهرش هیچ اطلاعی نداشته و بی‌گناه است.

در این میان پدر و مادر منوچهر از عروس‌شان به خاطر رابطه پنهانی با مرد بوتیک‌دار شکایت کردند. آنها گفتند ناهید با امین رابطه پنهانی داشته و به پسرمان خیانت کرده است.

به این ترتیب برای امین به اتهام قتل و پرونده‌شان به شعبه هفتم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا از خود دفاع کنند.

در دادگاه چه گذشت؟

در این جلسه اولیای دم درخواست قصاص را مطرح کردند و برای ۲ متهم اشد مجازات خواستند.

سپس امین به تشریح ماجرا پرداخت و گفت: درددل‌های ناهید باعث شد تصمیم به قتل شوهرش بگیرم. او مدام از بدرفتاری‌های شوهرش گلایه می‌کرد، به همین خاطر دلم برایش سوخت. او با حرف‌های مرا تحریک کرد که اسلحه تهیه کنم و سپس در زیرزمین خانه‌ام گودالی کندم و آن را برای دفن جسد منوچهر آماده کردم و در ادامه به بهانه‌ای منوچهر را به زیرزمین خانه‌ام کشاندم و با شلیک گلوله کشتم. من اتهام قتل و رابطه پنهانی با ناهید را قبول دارم و باور کنید ناهید با حرف‌های مرا فریب داد و اینچنین گرفتار کرد.

سپس ناهید به اتهام زنا محصنه روبه‌روی قضات ایستاد و اتهامش را نپذیرفت.

وی گفت: من فقط مشتری بوتیک امین بودم و به همین خاطر به مغازه او رفتم و ناهید را دیدم. او گفت: منوچهر می‌گردد، هرگز از او نخوابسته بودم شوهرم را بکشد و سرخود چنین تصمیمی گرفته است.

در پایان جلسه قضات وارد شور شدند تا رأی صادر کنند.



حوادث ویژه

گروگانگیری ۶ مرد توسط ۱۳ آدم‌ربا در کرج

اعضای باند گروگانگیری که در کرج ۶ مرد را گروگان گرفته بودند دستگیر شدند.

سردار «حمید هداوند» رئیس پلیس البرز گفت: به دنبال حضور یکی از شهروندان تبعه بیگانه در یکی از مقرهای انتظامی در شهرستان چهارباغ اعلام کرده که تعدادی افراد ناشناس با سلاح سرد اقدام به ربایش ۶ نفر از دوستانش کرده و آنها را به مکانی نامعلوم می‌برند که این یک نفر از دست آنها فرار می‌کند چون در صندوق عقب خودرو بوده است.

وی اضافه کرد: این فرد به مقر پلیس مراجعه کرد و تیم‌های تخصصی پلیس امنیت در یک عملیات ضربتی ۱۳ نفر آدم‌ربا را دستگیر کردند که دو نفر از گروگان‌ها هنوز در دست آنها بودند.

سردار هداوند گفت: با تحقیقات ویژه پلیس مشخص شد که این افراد در البرز و شهرهای همجوار اقدام به گروگان‌گیری می‌کردند و در اعترافات خود اذعان داشتند که تعدادی از آنها از طریق شبکه‌های مجازی برای ویزا گرفتن برای کشورهای دیگر به اینها وصل شده و بعضی‌ها را به عنوان مسافر سوار خودروهایشان کرده و به باغ‌ها و منازل می‌کشانند.

وی خاطرنشان کرد: در حال حاضر پرونده در اختیار پلیس امنیت قرار گرفته که در حال رسیدگی است و موضوعاتی هست که باید بررسی کرده و شاکیان شناسایی و برای شکایت آورده شوند.

وی گفت: این افراد توسط گروگانگیران به عنوان مسافرکش سوار شده و دست و پایشان را در ماشین بسته و به منزلی که از قبل تهیه کرده بودند می‌بردند و مورد شکنجه و آزار قرار می‌دادند و فیلم می‌گرفتند و برای خانواده‌هایشان می‌فرستادند و نوع شکنجه را نشان می‌دادند و به خانواده‌هایشان التماس می‌کردند که برای گروگانگیران پول بفرستند.

فرمانده انتظامی البرز افزود: خانواده‌ها نیز با توجه به شرایط موجود مبالغی را واریز کرده بودند و در مجموع از شش نفر مبلغ سه میلیارد تومان به حسابشان واریز شده بود.

بخشش مرد اعدای در شادگان

یک قاتل محکوم به قصاص در شادگان، با رضایت اولیای دم بخشیده شد.

در ادامه اقدامات حل و فصل پرونده‌های قضایی در پوشش «به عشق امام رثوف می‌بخشم»، این بار یک محکوم به اعدام در شادگان، با رضایت اولیای دم بخشیده شد.

در همین رابطه رئیس کل دادگستری خوزستان، اظهار کرد: پس از وقوع قتل با اسلحه جنگی، حکم قصاص متهم از سوی دادگاه کیفری استان صادر، در دیوان عالی کشور تأیید و به اجرای احکام ارجاع شد.

علی دهقانی گفت: با ورود پیگیرانه شورای حل اختلاف استان و تلاش مجدانه دادستان، قاضی اجرای احکام کیفری، رئیس دادگستری شادگان و همیاران صلح در این مدت و افزایش پیگیری در روزهای اخیر، سرانجام اولیای دم مقتول با تقدیم رضایت ثبتی، از حق قصاص خود گذشت کرده و نامه آزادی متهم به زندان اعلام شد.

پسر جوان در مسجد سلیمان فرشته نجات شد

مدیر مرکز فراهم‌آوری اعضا و نسوج پیوندی دانشگاه جندی‌شاپور اهواز گفت: اهدای اعضای مرد جوان ۲۵ ساله مرگ مغزی اهل مسجد سلیمان به سه بیمار جان‌دوهار بخشید. دکتر جواد شریعتی بیان کرد: این فرد جوان در اثر عارضه مغزی دچار مرگ مغزی شد و عمل پیوند امروز (شنبه) در بیمارستان گلستان اهواز برای اهدای دو کلیه و کبد برای سه نفر با موفقیت به انجام رسید. وی افزود: کبد فرد مرگ‌مغزی به یک زن اهل اهواز و کلیه‌ها به دو بانوی اهل شوشتر و اندیکا اهدا شد.

بر اساس این گزارش در تیرماه امسال اهدای عضو یک بانوی جوان ۲۵ ساله اهوازی نیز به سه نفر زندگی بخشید.

تعداد عمل‌های اهدای عضو از ابتدای سال جاری تا کنون به شش مورد رسیده است.

این زن مرگ را لمس کرد

تصمیم شوم برای فرار از سیاهی



دختر ۳۰ ساله که در جریان فشارهای زندگی تصمیم به خودکشی گرفته بود و طناب دار را از چهارچوب در اتاق خواب آویزان کرده و آماده مرگ بود، ناگهان با ورود سرزده مادر از خودکشی نجات پیدا کرد.

من سمانه هستم. وقتی ۷ ساله بودم پدر و مادرم در جریان اختلاف‌هایی که باهم داشتند از هم جدا شدند و من نزد مادر مدتی مانند ما اینکه چهارسال بعد مادرم ازدواج کرد. ناپدیری که چشم دیدن من را نداشت مدام به هر بهانه‌ای مرا اذیت می‌کرد تا اینکه مجبور شدم به خانه پدرم بروم که آنجا هم نامادری با نیش و کنایه باعث ناراحتی‌ام می‌شد.

در ۱۴ سالگی با اصرار پدرم با مردی که ۱۵ سال از من بزرگتر بود، ازدواج کردم. او اعتیاد داشت و بیشتر اوقات مرا کتک می‌زد. هر بار که از خانه بیرون می‌رفتم، به سراغ مادرم می‌رفتم اما آنجا رفتارهای ناپدیری باعث می‌شد دیگر قهر را فراموش کنم و به خانه برگردم.

مادر شدن در خان افیونی در این مدت بود که متوجه شدم باردار هستم. مدتی گذشت اما شوهرم اصلاً برایش مهم نبود من در چه شرایطی قرار دارم. آنقدر مواد مصرف می‌کرد که حتی اسم خودش را هم فراموش کرده بود و هیچ خرجی‌ای به من نمی‌داد تا اینکه پسر من دنیا آمد.

با تولد نوزادم اوضاع بدتر شد. هیچ پولی نداشتیم تا اینکه مجبور شدم برای سیر کردن شکم فرزندم دست به گدایی بزنم. بعد از دو سه بار از لحاظ روحی مریض شدم و بعد دچار بیماری جسمی شدم.

بی سرپناه و تصمیم شوم مادرم به خاطر بدبختی‌های شوهرش و چک‌هایی که به نام او صادر شده بود به زندان افتاده بود و من هیچ پناهگاهی نداشتم. دیگر هیچ امیدی برای ادامه زندگی نداشتم تا اینکه تصمیم گرفتم خودکشی کنم. طناب حماقت را دور

دختر ۳۰ ساله که در جریان فشارهای زندگی تصمیم به خودکشی گرفته بود و طناب دار را از چهارچوب در اتاق خواب آویزان کرده و آماده مرگ بود، ناگهان با ورود سرزده مادر از خودکشی نجات پیدا کرد.

من سمانه هستم. وقتی ۷ ساله بودم پدر و مادرم در جریان اختلاف‌هایی که باهم داشتند از هم جدا شدند و من نزد مادر مدتی مانند ما اینکه چهارسال بعد مادرم ازدواج کرد. ناپدیری که چشم دیدن من را نداشت مدام به هر بهانه‌ای مرا اذیت می‌کرد تا اینکه مجبور شدم به خانه پدرم بروم که آنجا هم نامادری با نیش و کنایه باعث ناراحتی‌ام می‌شد.

در ۱۴ سالگی با اصرار پدرم با مردی که ۱۵ سال از من بزرگتر بود، ازدواج کردم. او اعتیاد داشت و بیشتر اوقات مرا کتک می‌زد. هر بار که از خانه بیرون می‌رفتم، به سراغ مادرم می‌رفتم اما آنجا رفتارهای ناپدیری باعث می‌شد دیگر قهر را فراموش کنم و به خانه برگردم.

مادر شدن در خان افیونی در این مدت بود که متوجه شدم باردار هستم. مدتی گذشت اما شوهرم اصلاً برایش مهم نبود من در چه شرایطی قرار دارم. آنقدر مواد مصرف می‌کرد که حتی اسم خودش را هم فراموش کرده بود و هیچ خرجی‌ای به من نمی‌داد تا اینکه پسر من دنیا آمد.

با تولد نوزادم اوضاع بدتر شد. هیچ پولی نداشتیم تا اینکه مجبور شدم برای سیر کردن شکم فرزندم دست به گدایی بزنم. بعد از دو سه بار از لحاظ روحی مریض شدم و بعد دچار بیماری جسمی شدم.

بی سرپناه و تصمیم شوم مادرم به خاطر بدبختی‌های شوهرش و چک‌هایی که به نام او صادر شده بود به زندان افتاده بود و من هیچ پناهگاهی نداشتم. دیگر هیچ امیدی برای ادامه زندگی نداشتم تا اینکه تصمیم گرفتم خودکشی کنم. طناب حماقت را دور

قتل عام آتشین دختر ۱۴

ساله در عشق پسر ۱۵ ساله



بیگانه است آشنا شده و قصد ازدواج با وی را داشته اما خانواده‌اش مخالف این ارتباط و ازدواج بوده‌اند و همین باعث شروع اختلاف بین دختر ۱۴ ساله با اعضای خانواده‌اش می‌شود.

بازداشت دختر آتش افروز تجسس‌های پلیسی ادامه داشت و مأموران در این مرحله به سراغ پسر ۱۵ ساله افغان رفتند که مشخص شد وی نیز ناپدید شده است و در ادامه ردیابی‌ها، کارآگاهان پی بردند که دختر و پسر نوجوان در یک باغ مخفی شده‌اند.

همین سرخ‌گامی بود تا تیم پلیسی در گام بعدی تحقیقات و پس از ۴۸ ساعت تلاش شبانه‌روزی و هماهنگی با مقام قضایی، پسر ۱۵ ساله و دختر ۱۴ ساله را در مخفیگاه‌شان دستگیر کنند.

اعتراف وحشتناک

دختر ۱۴ ساله که راهی جز اعتراف پیش روی خود نداشت به مأموران گفت: به پسر ۱۵ ساله علاقه داشتم و قصد ازدواج با هم را داشتیم اما پدر مادرم مخالف ازدواج ما بودند به همین دلیل تصمیم به قتل آنها گرفتم و با همدستی پسر مورد علاقه‌ام و ریختن نفت در خانه‌مان دست به آتش‌افروزی زده و اعضای خانواده‌ام را به قتل رساندیم تا پس از آرام شدن ماجرا با هم ازدواج کنیم.

سرهنگ کاووس حبیبی رئیس پلیس آگاهی فارس با اعلام این خبر گفت: دختر و پسر نوجوان پس از اعتراف به قتل برای تحقیقات بیشتر در اختیار پلیس قرار دارند.



دختر ۱۴ ساله به خاطر عشق به پسر افغان همه اعضای خانواده‌اش را در آتش خشم خود سوزاند تا با پسر ۱۵ ساله ازدواج کند.

روز دوشنبه ۵ تیر ماه امسال حادثه آتش‌سوزی یک خانه روستایی در تقی‌هان شیراز به پلیس و سازمان آتش‌نشانی مخابره شد و خیلی زود تیم‌های امدادی و پلیس برای بررسی موضوع و مهار آتش وارد عمل شدند.

مرگ دردناک ۴ زن و مرد آتش‌نشانی خیلی زود موفق به مهار آتش خانه روستایی شدند و در بررسی خانه سوخته با جسد ۴ زن و مرد روبه‌رو شدند و همین کافی بود تا تیمی از مأموران پلیس آگاهی استان فارس برای تحقیق وارد عمل شوند.

کارآگاهان در بررسی‌های ابتدایی پی بردند که در این حادثه پدر و مادر و ۲ فرزندشان در آتش‌سوزی خانه به کام مرگ فرو رفته‌اند و این در حالی بود که دختر ۱۴ ساله و پسر ۵ ساله در زمان آتش‌سوزی در خانه حضور نداشتند و بعد از این حادثه نیز به خانه مراجعه نکردند.

آتش‌سوزی عمدی تحقیقات پلیسی درحالی ادامه داشت که کارشناسان آتش‌نشانی علت این آتش‌سوزی هولناک را عمدی اعلام کردند و فرضیه‌های پلیسی به سمت دختر خانواده کشیده شد چرا که پس از این آتش‌سوزی مرگبار ناپدید شده بود.

کارآگاهان در ادامه تجسس‌های پی بردند که دختر ۱۴ ساله از چندی قبل با پسر ۱۵ ساله‌ای که تبعه